

**شبیهه علیه مشروعبیت حکومت**

**مصادره به مطلوب سخنان آیت الله طالقانی**

**توهین به نظام جمهوری اسلامی**

**زیر سوال بردن راستی و صداقت در تربیون‌های نماز جمعه**

**تشبیه نظام اسلامی به حکومت جور**

**زیر سئوال بردن نظام انتخاباتی**

**نامشروع خواندن حکومت اسلامی**

**مقایسه رژیم پهلوی با نظام اسلامی**

**موضع گیری علیه نص فرمایش رهبری**

جان کلام این است که «حاکمیت» از اُن مردم است (حاکمیت مالی) و مردم به دنبال سازوکاری مردم سالار و البته مشروع (انتخابات) اُن را داوطلبانه به نهادی به اسم دولت (State) امانت می دهند تا به نیابت از مردم، تدبیر منزل کند و اُن را – حاکمیت را – در راه تمشیت بهینه امور و برای بهروزی و کامیابی مردم به کار گیرد.

– میزان مشروعبیت یک دولت در عرصه داخلی و بین المللی – همچنان که کانت می گفت – براساس میزان رعایت حقوق بشر تعیین و توصیف می شود.

با کمال تأسّف باید یادآوری کنم که در قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان تنها فصل سوم به حقوق ملت اختصاص دارد و بخش زیادی از این حقوق نادیده گرفته شده و وجود خارجی ندارد. هیچ وقت هم نمی گویند که یک چیزی به نام فصل سوم در قانون اساسی وجود دارد که آنجا مشخص شده تحت چه شرایطی می توان کسی را بازداشت کرد و تحت چه شرایطی می توان او را نگه داشت، متهم باید و کیل داشته باشد و بتواند از خود دفاع کند و نباید به زور فشار از او اعتراف گرفت و اگر کسی اعمال شکنجه کند مجرم است. و حال اُن که تمام دادگاههای بعد از انقلاب با این موازین فاصله داشته اند. من نمی دانم اصلاً چرا وقتی سی و چند سال از انقلاب این مملکت گذشته است هنوز دادگاههای انقلاب وجود دارد. آیا ما هنوز در شرایط انقلابی هستیم؟ انقلاب مستقرّ شده و شرایطی به اتمام رسیده است.

"درج پیامک: «آقایان اگر واقعاً جمهوری اسلامی را قبول دارند باید احزاب واقعی را هم قبول داشته باشند،و اگر قبول ندارند، مثل طالبان حکومت اسلامی برقرار کنند واین قدر دم از جمهوری بودن نزنند شتر مرغ بودن بس است»"

در یک سال اخیر دیدگاه آقای عسکر اولادی حاکی از اُن دلشوره‌ای بود که از اصولگرایان حاکم و نه فقط احمدی نژاد داشت: مثلاً تربیون‌های نماز جمعه که بدترین اهانت‌ها، توهین‌ها و دروغ‌ها از این تربیون مطرح میشد یا صدا و سیما…

آیت‌الله منتظری اما در راه انجام وظیفه و امر به معروف و نهی از منکر فرقی نمی کرد که بگویند آیت‌الله‌العظمی منتظری یا مرگ بر منتظری همین بود که او را عزیز کرد امام حسین هم قربانی و شهید راه امر به معروف و نهی از منکر شد اما نه نهی از منکر افراد عادی و کوچه و خیابان بلکه نهی از منکر حکومت و امام حسین نشان داد که حکم الهی امر به معروف و نهی از منکر در درجه اول نسبت به حکومت و زمامداران است.

(اگر گروه‌هایی از مردم در ۹ دی سال ۸۹ به صحنه آمدند خوب ما به آنها احترام می‌گذاریم اما بگذارید کسانی که حرف دیگر دارند تجمع کنند و حرف خود را بزنند شکوری راد گفت: این جمعیت دل در گرو کسانی دارن که امروز در زندان هستند و آروزی آزادی آنها را دارند)

(علی صالح‌آبادی: ما از دوران مشروطه تا نهضت ملی شدن صنعت نفت انقلاب اسلامی و دوران اصلاحات، نتوانستیم نظام انتخاباتی درست کنیم که نتیجه انتخابات بدون چون و چرا باشد)

طبق اعتقاد اهل سنت سلطان اسلام روحانی است که «اولی الامر» محسوب می شود و پیروی از امر او واجب است، بنابراین حاکم هم قدرت معنوی دارد و هم حکومت دنیوی، این نحو سلطنت که به صورت روحانیت تشکیل شود و مدد از قوت دیانت ملت داشته باشد، دولت بی خون دل و سهل الجربان است و به دوام استمرارش مطمئن می توان شد.

این در حالی است که طبق اعتقاد شیعیان به نامشروع بودن هر حکومتی در زمان غیبت، قدرت روحانی و جسمانی به یک مرکز منتهی نمی شود مردم مالیات و عوارض را به زور به دیوان می دهند و خمس و زکات را با رضایت به مجتهدین تقدیم می کنند در مواردی هم که بین مجتهدین و حاکمان اختلافی ایجاد می شود، نتایج وخیمی به دنبال دارد.

بازوی دست راستم در زد و خورد با گارد [رژیم پهلوی] پاره شده بود و خونش بند نمی آمد. افسر مربوط به رغم عصبانیت از من و شلوغی های پی در پی بلافاصله دستور داد مرا به بیمارستانی در خیابان ستارخان بردند و پس از بخیه جراحی بازویم به مأموران ساواک تحویلم داد تا به کمیته مشترک ضد خرابکاری ببرند از آنجا هم به زندان عمومی قصر منتقل شدم ولی خرداد ۷۱ بعد از پایان دوره نمایندگی در مجلس سوم، هنگامی که مرا بار دیگر بازداشت کردند و به کمیته مشترک ضد خرابکاری که پس از انقلاب زندان توحید نامیده می شد فرستادند، تمام شبها و روزهایم در سلول انفرادی گذشت.

آقای معین! شما می گویند اسلامی شدن دانشگاه شدنی است، ولی بی همتی مسئولین مانع است، من معتقدم اصلاً چنین چیزی نشدنی است، مثلاً وقتی می گوئیم می خواهیم علوم سیاسی را اسلامی کنیم، دقیقاً می خواهیم چه بکنیم؟

**مهر**

دولت، خسروی که دیگر شیرین کار نیست.
سعید محی
مهر ۹۲

**مهر**

[طالقانی] مرجع همه مبارزان بود.
محمد علی عمویی
مهر ۹۲

**مهر**

**مهر**

**آیات**

**مهر**

**مهران**

**چهاران ایران**

برخوردی تعالی بخش با تضاد شیعه و سنی
مریم سادات سید کریمی
شهریور و مهر ۹۲

**اندیشه‌ی‌دیو**

**اندیشه‌ی‌دیو**

**زیر سوال بردن فلسفه حکومت اسلامی**

**توجیه خیانت های شاه ملعون**

**توهین به رهبران سیاسی دهه شصت**

**تطهیر نظام شاهنشاهی**

**زیر سوال بردن حمایت از شهدای مقاومت**

**زیر سوال بردن حمایت از شهدای مقاومت**

**توهین به مدیران نظام اسلامی**

**تحلیل وارونه فتنه**

در شریعت ما اصراری بر این که مسلمانان باید حکومت تشکیل دهند وجود نداشته و ندارد. نه تنها در اسلام بلکه در دو مذهب ابراهیمی دیگر یعنی یهودیت و مسیحیت نیز بایدی در قبال تشکیل حکومت وجود ندارد. هر چند هم در مسیحیت و هم در یهودیت حکومت‌های به وجود آمد اما هر دو به طرز هولناکی ناموفق بودند و موجب بی دینی بسیاری از افراد شدند…

[به استثنای ۵ سال امام علی(ع) و ۹ ماه امام حسن(ع)] در این ۲۵۰ سال [تا زمان غیبت] هیچ یکی از ائمه پیروان خود را به قیام دعوت نمی کنند تا حکومت را به دست خود بگیرند و حتی گاهی از این امر پیروان خود را نهی کرده اند.

در چهار کتابی که به عنوان کتب چهارگانه اصلی تشیع مطرح است و در واقع اصول مبادی تشیع در این کتابها وجود دارد چقدر در مورد حکومت مطلب نوشته شده و چقدر به آداب زیارت، غسل و تیمم و غیره پرداخته شده است. حیرت انگیز است که هیچ چیزی در مورد حکومت در این چهار کتاب نیست.

در مورد مساله بحرین و جزایر سه گانه که معمولاً با هم مطرح می شوند باید این نکته را عرض کنم که در برخی موارد با برداشتی غلط از اصل ماجرا می گویند شاه، بحرین را داد تا جزایر سه گانه خلیج فارس را بگیرد. آنچه من می دانم تماماً اصل این ادعا را رد می کند. شاه از بحرین صرف نظر کرد و سابقه‌اش را هم می دانند برخی هم به این مسأله انتقاداتی وارد می کنند باید اعتراف کنم من هم اُن زمان همین نظر را داشتم اما در حال حاضر فکر می کنم که تصمیم او درست بود زیرا اگر این کار را نکرده بود بحرین بار گرانی می شد بر دوش ایران!

س: چگونه به این نتیجه رسیدید که شاه در زمینه بحرین درست عمل کرده است؟

ج: شاه توان به دست آوردن بحرین را از لحاظ نظامی و سیاسی نداشت و به این مساله کاملاً آگاه بود. گفت و گوه‌ای من با وزیر خارجه وقت و گزارش هایی که در اُن زمان دریافت می کردم هم گواه همین مساله بود در صورت پافشاری در مسئله بحرین ایران باید با انگلستان و کشورهای دیگر منطقه وارد درگیری نظامی می شد و آنجا را تصرف می کرد که این مسئله عواقب سنگینی برای ایران داشت در هر صورت اگر بحرین به ایران می پیوست تا امروز هم مانند اتفاق اخیر سفر آقای احمدی نژاد به ابوموسی، هر مقامی از ایران به بحرین می رفت و هر اتفاقی در این منطقه می افتاد ایران باید وارد منازعات سیاسی می شد. من چند بار به بحرین رفته ام و با حاکم آنجا دیدارهایی داشته ام واقعیت تاریخی این است که از زمان نادرشاه بحرین از ایران جدا شد و هیچ وقت ایران در آنجا اعمال حاکمیت نکرد.

… برای این انقلاب دوم نام گرفت که رهبران اُن روز سیاسی کشور متوجه شدند که چقدر خوب میتوان از این کار بهره‌برداری سیاسی کنند. سران حزب جمهوری اسلامی متوجه شدند که بدون دادن هزینه نمیتوانند تمام گروه‌های رقیب و منتقد ومخالف را حذف کنند. بدون آنکه انگ ارتجاعی بودن به آنها بچسبید…

ظریف و روحانی نان احمدی نژاد را خوردند
صادق زیبا کلام
مهر ۹۲

**مهر**

دولت آمریکا۱۶ روز تعطیل شد همه دنیا فهمیدند ما دولت‌مان ۴ سال بود که تعطیل شده بود حتی خودمان هم نفهمیدیم صدا و سیما، مچکریم.

آیا شهدای بحرین هم مانند شهدای فلسطینی و لبنانی تحت حمایت بنیاد شهید ایران قرار می‌گیرند؟

معمای شاه و بعد …»

(باورم نمی‌شه، این درسته که بنیاد شهید، شهدای لبنان و فلسطین یا خانواده‌هاشون رو تحت حمایت داره؟ نهادهایی که بعد از انقلاب به وجود آمدند در نام خود واژه ایران ندارند یعنی عرصه فعالیت خود را فراتر از ایران می‌دانند کما این‌که کمیته امداد هم در برخی کشورها خدمات می‌دهد)

میپرسد چرا روشنفکران خواست عدالت را فراموش کرده‌اند و از اعتراضات طبقات فرودست حمایت نمیکنند، اجاز بدهید بپرسیم کارنامه روشنفکران در حمایت از طبقات فرودست در دهه‌های سی و چهل و پنجاه کجاست؟ کارنامه روشنفکران حامی طبقات ستمدیده از استبداد و خود کامگی سیاسی کجاست کارنامه دفاع از حقوق بشر نیز؟ باید ببینیم اُن همه که روشنفکران دهه‌های سی و چهل و پنجاه از فقر

گفتند در نهایت چه کمکی به فقیران کردند؟ روشنفکران فقط از رنج فقر ننالیدند، از استبداد هم سخن گفتند، از کمبود معنویت نیز نالیدند، از فقدان آزادی نیز فریاد کشیدند، صد سال است که از این همه مینالند، حاصل چه بود. مسئولان محترمی که رسیدگی به کار فقرا را در دستور کار شب و روز خود قرار داده بودند، فقرا را به استخدام در آوردند. نه اینکه برایشان شغل فراهم کنند بلکه با اندک مایه نانی که برایشان فراهم میکردند، آنان را به سوژه‌های بسیج خود تبدیل کردند، به نام رسیدگی به فقرا، تشکیلاتی برای بسیج فقرا در شرایط اضطرار فراهم شد.نام فقرا هیچ گاه از دهان نظام سیاسی نیفتاد و پشتیبانی فقرا، مشروعبیت دهند به هر کار و اقدامی در عرصه مدنی و سیاسی شد. روشنفکران در سرزمین خود تخم کلان را کاشتند پرورش و داشت اُن را اقشاری از مردم آرزومند بر عهده گرفتند اما برداشته اُن را کسانی که نه از شمار روشنفکرانند و نه از شمار مردم. جستجوگران قدرت و مال از راه رسیدند و خیر بسیار نیز بردند. روشنفکران دست کم در این معامله از نعمت منزلت بهره‌مند شدند. این، مردم و بخصوص همان فرودستان بودند که اربابانی تازه اختیار کردند، تازه نفس و با آرزوهای بسیار.

با بروز حوادث پس از انتخاب ۸۸ و برخورد سنگین با طیف‌های مختلف حامی حقوق بشر و دموکراسی عملاً این حرکت‌ها حداقل در وجه رسمی خود در داخل متوقف و بخش عمده سخنگویی این جریان به خارج منتقل شد. تقابل این دو پروژه که در سال ۸۸ به نقطه اوج رسید مسأله‌ای سیاسی بود که گسستی اجتماعی را شکل داد و البته تبعات منفی گسترده خویش را بر مجموعه مناسبات درونی و بیرونی کشور بر جای گذاشت.

**مهر**

صادق زیبا کلام

۹۲/۸/۶

**مهر**

ضمیمه از شیخ زاید سند داریم
ابراهیم تیموری
۹۲/۲/۲

**مهر**

**مهر**

**مهر**

**مهر**

**آیات**

**آیات**

**آیات**

**آیات**